

راهکارهای مؤثر در تحقق صلح و مدارا در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

زهرا حاج کاظمی^۱

علیرضا کاوند^۲

چکیده:

یکی از موضوعات بسیار مهمی که در متون دینی بر آن صحنه گذاشته شده و از طرف حاکم شرع نسبت به آن توصیه فراوان شده است، تاکید به برقراری صلح و مداراست. این موضوع مورد توجه دین و علم بوده است؛ در این باره آیات زیادی در قرآن کریم نازل و روایات پرشماری از امامان معصوم علیهم السلام صادر شده و علما و دانشمندان نیز آثار زیادی در این زمینه خلق نموده اند. امام خمینی علیه السلام در دوران رهبری خود بر مردم بر این مساله توجه داشتند؛ ایشان معتقد بودند برای رسیدن به این مقوله راهبردهای زیادی نقش دارند؛ هرچند که نقش همه این ابعاد با هم یکسان نیستند؛ بلکه برخی از عوامل به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر یکدیگر تأثیر می گذارند. از این رو سعی داشتند با بهره گیری از سیره امامان معصوم علیهم السلام این اصل مهم را در دوران رهبری خود بر مردم به تحقق برسانند... با این حال تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی حکایت از آن دارد که ایشان از برقراری صلح و مدارا با دشمنان اهداف ذیل را دنبال می کرده است: ۱ - الگوپذیری از سیره امامان معصوم علیهم السلام. ۲ - مصلحت اندیشی. ۳ - مبارزه با نفوذ شایعات. ۴ - موعظه و نصیحت. ۵ - آغاز نکردن جنگ و... توجه داشته اند. اهداف یاد شده

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم kazemizahra139@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم motarjem60@yahoo.com نویسنده مسوول

حکایت از آن دارد؛ که امام علیه السلام با توجه به شناخت کامل از جامعه اسلامی و ترفندهای دشمنان اسلام تصمیم گرفتند با برنامه ریزی کامل این موارد را در برقراری صلح و مدارا محقق سازند.

کلید واژه: اندیشه، امام خمینی علیه السلام، راهکار، سیاسی، صلح، مدارا، دشمنان

طرح مسأله:

یکی از موضوعات مطرح مسأله صلح و مدارا از نگاه امام خمینی علیه السلام است. مدارا یکی از فضیلت های اخلاقی محسوب می شود. هر جا انسان ها از آموزه های اخلاقی فاصله گرفته به تباهی و نابودی کشیده شده است، لذا آموزه های اخلاقی نقش اساسی در زندگی انسانها ایفا می کنند. امام علیه السلام همواره بر این مسأله توجه داشتند و مانند معصومان علیهم السلام از این فضیلت اخلاقی در امور سیاسی نیز استفاده می کردند و معتقد بودند همه انبیاء، برای این مبعوث شدند که معنویات و استعدادهای مردم را شکوفا کنند، مردم و ضعفا را از تحت سلطه استکبار بیرون بیاورند. از اول انبیا این دوشغل راداشته اند، شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس خارج کنند، و دیگری از اسارت خودش خارج کنند. این دوشغل، شغل انبیاست. وقتی انسان حضرت موسی، حضرت ابراهیم (علیهما السلام) را ملاحظه می کند، و چیزهایی که از اینها در قرآن کریم آمده است را می بیند متوجه می شود که این دو بزرگوار همین دو سمت راداشتند، یکی دعوت مردم به توحید و دیگری نجات بیچاره گان از تحت ستم. (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ج ۱۳/۱۲). امام بارها همگان را به اسلام خواهی و دفاع از اسلام دعوت می کردند و معتقد بودند که در مقابله با دشمنان تا آن جا که ممکن است باید با صلح و مدارا رفتار کرد. اما به شرط و شروطها. با این حال در این پژوهش، به دنبال پاسخ بدین پرسش ها هستیم: الف) مقصود از صلح چیست؟ ب) مهمترین راهکارهای مؤثر در تحقق صلح و مدارا از نظر ایشان شامل چه مواردی می شود؟ وقتی به سخنان این بزرگوار توجه می نمایم بیش از پیش به اهمیت این مسأله پی می بریم که ایشان معتقد بودند باید میان سرزمین های اسلامی همزیستی مسالمت آمیز برقرار باشد. البته در این رابطه متذکر هم می شدند که دشمن به هر لباس و ترفندی ممکن است خود را به شما نشان دهد. از این رو از مسوولان می خواستند که در این زمینه، هشیار باشند. جهتگیری ها و حیل های دشمنان را بشناسند چرا که ممکن است دشمن از هر واژه ای جهت رسیدن به اهداف خود استفاده کند. (موسوی خمینی ۱۳۹۳: ص ۱۳۴). در اهمیت این موضوع، کتاب ها و مقالاتی نگاشته شده اند که از میان آن ها

می توان به کتاب آثار جنگ و صلح در قانون اسلام اثر «مجید خدوری» و «حمیدالله حیدر آبادی» است. نویسنده در کتاب مذکور ابتدا به بررسی جنگ های دریایی و زمینی پرداخته، سپس در بخش دیگر؛ به بررسی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و برخی از غزواتی که این دو بزرگوار در آن حضور داشته اند پرداخته است. از کتاب های دیگر در این باره می توان به کتاب حکمرانی حکیمانه (حکومت امام علی علیه السلام)، حکومت موفق تاریخ اثر مصطفی دلشاد تهرانی که در سال توسط انتشارات دریا در سال ۱۳۹۵ اشاره کرد. نویسنده در بخشی از این کتاب به بررسی صلح گرایی حکیمانه از دیدگاه امام علی علیه السلام پرداخته، پس از آن به بررسی مباحثی چون ارزش صلح، تلاش بی نظیر امام در تحقق صلح گرایی و... اشاره می کند. هرچند کتب و مقالاتی در این زمینه، به رشته تحریر درآمده است؛ اما در این پژوهش ما سعی کردیم انگیزه مثبت امام خمینی علیه السلام در مقابله با انگیزه های منفی دشمنانشان که تنها هدفشان رسیدن به قدرت بود را نشان دهیم و اثبات کنیم که این بزرگوار در زمان حاکمیت خود علارغم مشکلاتی که با آن مواجه بودند اما توانستند با حکمرانی شایسته در حل منازعات جامعه بکوشند.

۱- مفهوم شناسی واژگان:

۱-۱- راهکار:

این کلمه ترکیبی از راه + کاراست، که به مفهوم راه حل، پاسخ، جواب، شیوه نامه و روش حل مسائل می باشد. که از حیث لغت و اصطلاح به یک معناست. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۳۴۱). دراصطلاح؛ نقشه عملیاتی شامل یک رشته اقدامات و تصمیمات آگاهانه جهت حل مساله و یا دست یابی به هدف است. (قدیری ابیانه، ۱۹۲، ص ۳۰).

۱-۲- صلح:

واژه صلح؛ در لغت، به معنی آشتی، ترفی میان متنازعی و نیز به معنای سازش آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۱: ص ۱۳۳). در اصطلاح به عنوان یکی از عقود شرعیه است که به منظور توافق و تسالم بین دو نفر برامری مانند تملیک عینی یا منفعتی یا اسقاط دینی یا حقی یا غیر آن به رایگان یا در مقابل عوضی انجام می گیرد. (طوسی، بی تا: ص ۱۳۲). خداوند متعال در رابطه با صلح در سوره حجرات آیه ۹ می فرماید: ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا...﴾؛ (اگر دو طایفه از مومنین باهم نزاع

کردند خداوند دستور می دهد که بین این ها صلح و دوستی برقرار کنید). عبارت «أَصْلِحُوا» در این آیه، و همچنین در آیه ۶۱ از سوره انفال که آمده است ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا...﴾؛ (اگر دشمن حتی کافر را دیدید میل به سازش دارد تو هم سازش کن). نشان می دهد اسلام هرگز دین خونریزی و آدم کشی نبوده است بلکه انسان ها را به سازش دعوت می کند.

۱- ۳- سیاست:

واژه «سیاست» از مصدر «ساسة» جمع «ساسة»، و اسم فاعل از «ساسة»، «ساسة» گرفته شده است. (شرتونی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۴). غالب ادبای عرب، واژه سیاست را به معنای تدبیر چیزی و به مصلحت آن اقدام کردن می دانند. (نک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۵؛ ابن منظور، ۱۳۸۸، ص ۵۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۱۰۷، زبیدی، ۱۳۰۷، ج ۳، ص ۲۷۸). در اصطلاح به کشور داری و کسب قدرت اجتماعی، حفظ قدرت و علم حکومت بر کشورها می دانند. (نک: عنایت، ۱۳۷۷، ص ۱۹، حشمت زاده، ۱۳۷۷، ص ۵۷، دوورژه، ۱۳۷۸، ص ۲۰). أهل بیت نیز در معنای واژه سیاست به معنای لغوی بیش از اصطلاحی توجه داشته اند. از امام حسن علیه السلام در این باره نقل شده است: «سیاست، عبارت است از رعایت حقوق خداوند سبحان، حقوق زندگان و حقوق مردگان، اما حقوق خداوند سبحان عبارت است از انجام آن چه امر فرموده و دوری از آن چه نهی شده است؛ اما حقوق زندگان عبارت است از انجام وظایف خویش در قبال برادران دینی، درنگ نکردن در خدمت به هم کیشان و اخلاص نسبت به ولی امر، مادامی که او نسبت به مردم اخلاص دارد و هرگاه از راه راست منحرف شد، در برابر او باید فریاد خود را بلند کنی، اما حقوق مردگان؛ عبارت است از ذکر خوبی های ایشان و خودداری از بیان گناه و لغزش های آنان زیرا آنان خدایی دارند که اعمالشان رسیدگی می شود. (حسنی، ۱۳۷۰، ص ۳۲۳). از حضرت علی علیه السلام در این باره نقل شده است: «و متی کنتم یا معاویة ساسة الرعیة و ولایة امر الامة»؛ (ای معاویة! از چه زمانی شما سیادت بر رعیت را بر عهده گرفته اید و از کی والیان کار امت بوده اید!). (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۰، خطبه ۲۵، ص ۳۰). واژه «ساسة» در این روایت، به معنای تدبیر آمده است یعنی؛ در مقابله با مخالفان خود باید تدبیر را مدنظر داشت و از این طریق با دشمنان خود به مبارزه برخاست. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳). منظور از اندیشه سیاسی امام علیه السلام در این پژوهش همان روش ها و اسلوب های خاص ایشان است.

۱-۵- حاکمیت:

حاکمیت از جمله مباحث در حقوق اساسی^۱ (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۰، ص ۳۰) و از مسائل عمده در حقوق بین الملل عمومی^۲ (مدنی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۲) و نیز عنصر تاثیرگذار در تحقق و شناسایی دولت هاست.^۳ (شعبانی، ۱۳۷۴، ص ۴۹) حاکمیت در لغت به معنای؛ سلطه برتر و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیت از سوی نیروی دیگر تعریف می شود. (صلیبا و دیگران، ۱۳۶۶: ص ۳۴۴). به قضاوت و داوری به این جهت حکم اطلاق می شود که قاضی از ظلم و إجحاف ممانعت کند، یا به دانایی، حکمت اطلاق می شود، زیرا مانع از جهل و اشتباه در عالم می شود و به نظام سیاسی مسلط حکومت گفته می شود، چون از ناامنی و تشمت و هرج و مرج جلوگیری می کند. (فراهیدی، ۱۴۱۴: ص ۱۹۱). در فرهنگ فارسی، واژه حاکمیت، مصدر جعلی از ریشه حکم و به معنای استیلای یافتن، سلطه برتر داشتن و تفوق همراه با منع از هرگونه تبعیت می باشد. (عمید، ۱۳۸۹: ج ۱/ص ۱۳۱۴). بنابراین صلح و مدارا از نگاه امام خمینی علیه السلام در این نوشتار شیوه رفتار، نوع برخورد و کیفیت ایشان در عرصه های مختلف است.

۲- دشمن شناسی از دیدگاه قرآن کریم:

دشمن شناسی، از مفاهیمی است که در بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات امامان معصوم علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته است. از این حیث از جمله موارد مهمی که در قرآن آمده شناخت دشمنان انسان، است. قرآن کریم بارها در آیات خود خطرات آنان را بیان نموده است؛ که مهمترین آنان عبارتند از:

۲-۱- شیطان:

شیطان از ماده «شَطَنَ»، به معنای دور شدن و پستی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ج ۲/ص ۳۳۵). در اصطلاح؛ به موجود سرکش و متمرد اطلاق می شود اعم از انسان، جن و یا

۱. رشته ای از علم حقوق است که در آن سازمان عمومی دولت، رژیم سیاسی آن، ساختار حکومت سازمان، وظایف، اختیارات قوای سه گانه، حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، انتخابات و احزاب سیاسی، تبلیغات و نظایر آن بحث و گفت و گو می شود.
 ۲. حاکم بر روابط افراد در جامعه جهانی است و در مقابل آن قواعد و اصول حاکم بر روابط بین کشورها و سازمان های بین الملل برعهده حقوق بین الملل عمومی نهاده شده است. بنابراین موضوع حقوق بین الملل عمومی، روابط کشورها و ارگان های بین الملل به منظور مشخص ساختن حقوق و تکالیف آن ها در جامعه بین الملل است.
 ۳. حاکمیت به دولت موجودیت می بخشد و اصولاً از آن تفکیک ناپذیر است.

جنبندگان دیگر و نیز به معنای روح شریر و دور از حق نیز آمده است. همچنین به هر موجودی موذی مضر طاعی سرکش و منحرف اطلاق می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۲). این دشمن قسم خورده بارها در سخنان خود مدعی شده که با راه های گوناگون توانسته است بر بشر تسلط پیدا کرده و به اهداف خود که همان فریب دادن انسان هاست دست خواهد یافت. با توجه به اهمیت این مساله مهمترین راه های دشمنی شیطان عبارتند از:

۲-۱-۱- هواپرستی:

یکی از راه های نفوذ شیطان بر انسان «هواپرستی» است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۴۲ از سوره حجر است. آیه شریفه، به صراحت بیان می کند که شیطان از طریق هواپرستی می تواند بر درون شما نفوذ کرده و شما را به اهداف خود سوق دهد؛ به گونه ای که هواپرستی شیطان سبب شد به خاطر آن از مقام قرب الهی رانده شود و سقوط کند آیه بیان می کند اگر شیطان درون با آن شیطان بیرون هماهنگ نشود دیگر شیطان نمی تواند بر شما تسلط یابد. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۶۲۳).

۲-۱-۲- نگاه:

از دیگر راه های نفوذ شیطان نگاه است. در آیات ۳۰ و ۳۱ از سوره نور آمده است: (و به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نمایند، و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار ن سازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانیشان یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم کیششان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آنها هنگام راه رفتن پای های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان دانسته شود؛ (و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد) و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید). آیه شریفه به صراحت بیان می کند هرگونه زینت ها و زیبایی های زنانه که پنهان است باید پوشیده بماند و این اعم از صدای الگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می شود. از سوی دیگر؛ زینت پنهان می تواند پوشیدن لباس و زینت های خاص

در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر آن زینت آشکار شده و باعث ناقصی حجاب می گردد. (عاملی، ۱۳۶۰: ج ۱/ص ۳۴). بنابراین انسان ها همواره باید از نگاه کردن به چیزی که خدا آن را حرام کرده است خودداری کنند. این درحالی است که شیطان انسان ها را به این امر تشویق می کند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که نگاه تیری از تیرهای شیطان است و چه بسا نگاهی که موجب حسرت و ندامت باشد. (صدوق، بی تا: ص ۳۰). در نگاه استقلاللی یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب و تماشا کردن و برای ارزیابی آن اما نگاه آلی یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است بر این اساس امر الهی به زنان و مردان مؤمن پرهیز از نگاه استقلاللی است نه نگاه آلی، یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفا تماشا کردن، لذت بصری بودن و چشم چرانی است. (مطهری، ۱۳۷۲: ص ۱۲۵). از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره آمده است: «مسلمانی که چشم خود را از نگاه کردن به نامحرم می پوشاند خداوند شیرینی عبادت را در دلش ایجاد می کند. (مجلسی، ۱۴۲۲: ج ۳۲/ص ۳۶). بنابراین کنترل نگاه و از بین رفتن چشم چرانی از جمله وظایف مشترک میان زنان و مردان است؛ و هر دو باید در نحوه نگاه کردن خود نهایت دقت را داشته باشند.

۲-۱-۳- حسد:

از دیگر راه های نفوذ شیطان حسداست. حسد عبارت است از آن که؛ انسان آرزوی زوال نعمت از دیگری می نماید. (قرشی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۰). در داستان حضرت یوسف علیه السلام زمانی که ایشان در خواب دیدند که ده ستاره به همراه خورشید و ماه بر وی سجده می کنند، خوابش را برای پدرش بازگو کرد. پدرش به وی گفت که خوابت را برای هیچ کس و حتی برادرانت بازگو نکن. زمانی که ایشان علت را از پدر پرسید ایشان گفتند: (فرزندم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، که برای تو نقشه (خطرناکی) می کشند؛ چرا که شیطان، دشمن آشکار انسان است!). با وجود تاکید سخن حضرت یعقوب علیه السلام مبنی بر پنهان ماندن موضوع خواب، اما متأسفانه همسر حضرت یعقوب علیه السلام که گفتگوهای حضرت یوسف و حضرت یعقوب (علیهما السلام) را شنیده بود. خواب حضرت یوسف علیه السلام را به دیگر همسر یعقوب علیه السلام و فرزندانش گفت همین عامل موجب حسادت بین فرزندان شد و کار به جایی رسید که برادرانش تصمیم به قتل وی را کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۲/ص ۱۳۲). از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره نقل شده است: (ای گروه مردمانا

ابلیس آدم را به سبب حسادت از بهشت بیرون کرد پس به یکدیگر حسادت نورزید که کارهای خوب شما تباہ می شود و گام های شما ر راه راست می لغزاند. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۲). البته این دشمن قسم خورده می تواند از راهکارهای دیگری چون؛ دودلی و شک نسبت به اعمال خوب و پسندیده، غفلت کردن انسان ها از یاد خداوند سبحان، در دسترس گذاشتن وسایل گناه و نوارهای مبتذل و... انسان ها را به سمت اهداف خود سوق دهد.

۲-۲-۲- مشرکان:

از دیگر دشمنان انسان که قرآن کریم به صراحت بیان نموده است مشرکان هست. راه های دشمنی آنان عبارتند از:

۲-۲-۱- تبلیغ:

یکی از روش های دشمنی مشرکان با مؤمنان تبلیغ است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ از سوره نحل و آیات ۵۲ از سوره فرقان آن طور که آمده است: (مامی دانیم آنها می گویند این آیات را بشری به او تعلیم می دهد، در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است ولی این (قرآن) زبان عربی آشکار است)؛ (کسانی که ایمان به آیات الهی ندارند خداوند آنها را هدایت نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است)؛ (بنا بر این از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی بنما). فحوای این سه آیه شریفه، اشاره دارد که مشرکان از طریق راه های تبلیغاتی سعی داشتند، برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشکلاتی را ایجاد کنند تا از این طریق بر اهداف خود دست یابند. خداوند در این آیات، به صراحت به پیامبر این مطلب را متذکر می شود که به حرف ها و تبلیغات بی مورد آنان گوش نده؛ زیرا تو هرچه خواسته های آنان را اجابت کنی باز بهانه می آورند و سعی می کنند دین خودشان را بر تو تحمیل کنند. (رازی، ۱۳۷۱: ج ۱۲/صص ۱۰۰-۹۸؛ ج ۱۴: ص ۲۴۱).

۲-۲-۲- دین زدایی:

از دیگر روش های دشمنی، مشرکان دین زدایی است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۳۲ از سوره توبه آن طور که آمده است: (آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا

جز این نمی‌خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند! (آیه به یهودیان و مسیحیانی اشاره دارد که تمام توان خود را انجام می‌دادند تا در دین مبین اسلام تغییری را ایجاد کنند ولی خداوند سبحان با فرستادن پیامبران به مقابله با اقدامات نادرست آنان می‌پردازد. (طبری، ۱۴۲۲: ج ۳/ص ۱۱۳).

۲-۳- کفار:

از دیگر دشمنانی که قرآن کریم به صراحت در مورد آنان سخن گفته است «کفار» است. مهمترین راه های دشمنی کفار عبارتند از:

۲-۳-۱- گمراهی:

یکی از راهای دشمنی کفار گمراهی مومنان و دادن وعده های دروغین به آنان است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۳۰ از سوره ابراهیم علیه السلام آن طور که آمده است: آنها برای خدا همتیانی قرار داده اند ، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند بگو: (چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن) بهره گیرید اما عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است). آیه اشاره دارد بر این که کافران برای جدا کردن از دین حق با مقاومت ایمانی مردم روبه رو می شوند و نمی توانند در سد مستحکم ایمان آنان نفوذ کنند. هنگامی که از این راه ناامید شوند سعی می کنند از طریق ایجاد یک قرائت جدید از خدایان دین خدا و کلام اوست تا مگر در شعاع این قرائت جدید بتوانند انحرافی در ایمان مردم ایجاد نموده و آنان را به دنبال خود به انحراف بکشانند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۴).

۲-۳-۲- تبلیغ:

از راه های دیگر دشمنی کافران با مؤمنان تبلیغ است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ از سوره نحل و آیات ۵۲ از سوره فرقان آن طور که آمده است: (ما می دانیم آنها می گویند این آیات را بشری به او تعلیم می دهد، در حالی که زبان کسی که اینها را به او نسبت می دهند عجمی است ولی این (قرآن) زبان عربی آشکار است)؛ (کسانی که ایمان به آیات الهی ندارند خداوند آنها را هدایت نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است)؛ (بنا بر این از کافران اطاعت مکن و به وسیله قرآن با آنها جهاد بزرگی بنما). این سه آیه شریفه، بر این مطلب اشاره دارد که مشرکان سعی می کنند از

طریق تبلیغاتی که بر دین خود انجام می دادند سعی داشتند، برای پیامبراکرم مشکلاتی را ایجاد کنند تا از این طریق بر اهداف خود دست یابند. که این آیات شریفه، به صراحت به پیامبر این مطلب را متذکر می شود که به حرف ها و تبلیغات بی مورد آنان گوش فرانه. زیرا تو هرچه خواسته های آنان را اجابت کنی باز بهانه می آورند و سعی می کنند دین خودشان را بر تو تحمیل کنند. (ابوالفتح رازی، ج ۱۲، صص ۱۰۰-۹۸؛ ج ۱۴، ص ۲۴۱).

۲-۳-۳- دین زدایی:

از دیگر راه های دشمنی مشرکان دین زدایی است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۳۲ از سوره توبه آن طور که آمده است: (آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند؛ ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هر چند کافران ناخشنود باشند!). این آیه شریفه، به یهودیان و مسیحیانی اشاره دارد که تمام توان خود را انجام می دادند تا در دین مبین اسلام تغییراتی را ایجاد کنند ولی خداوند سبحان با فرستادن پیامبران به مقابله با اقدامات نادرست آنان می پردازد. (طبری، ۱۴۲۲: ج ۳/ص ۱۱۳).

۲-۳-۳- کفار:

از دیگر دشمنانی که قرآن کریم به صراحت در مورد آنان سخن گفته است «کفار» است. مهمترین راه های دشمنی کفار عبارتند از:

۲-۳-۱- گمراهی:

کفار هم گروه دیگری از دشمنان مؤمنان شمرده شده اند که از طریق گمراه کردن مردم سعی می کنند به دشمنی خود با انسان ها پردازند. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۳۰ از سوره ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ آن طور که آمده است: (آنها برای خدا همتایانی قرار داده اند، تا (مردم را) از راه او (منحرف و) گمراه سازند بگو: (چند روزی از زندگی دنیا و لذات آن) بهره گیرید اما عاقبت کار شما به سوی آتش (دوزخ) است). آیه شریفه به کافرانی اشاره دارد که برای جدا کردن از دین حق با مقاومت ایمانی مردم رویه رو می شوند و نمی توانند از سد مستحکم ایمان آنان نفوذ کنند. هنگامی که از این راه ناامید شوند سعی می کنند از طریق ایجاد یک قرائت جدید بتوانند انحرافی در ایمان مردم ایجاد نموده و آنان را به دنبال خود به انحراف بکشانند. طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۱۱۷/ص ۲۶۹).

۲-۳-۲- مسخره کردن عقاید:

از دیگر راه های دشمنی کفار با مسلمانان، مسخره کردن عقاید مسلمانان بود. مهمترین مستندات این دیدگاه آیات ۵۶ از سوره کهف آن طور که آمده است: (و در حالی که نسبت به خود ستمکار بود، در باغ خویش گام نهاد، و گفت: «من گمان نمی کنم هرگز این باغ نابود شود»). آیه به داستان حضرت نوح علیه السلام اشاره دارد زمانی که کفار زمان وی به نزدش می آمدند، او و عقایدش را مورد تمسخر قرار می دادند تا با ضعیف کردن روحیه وی و کسانی که به او تمایل پیدا کرده بودند از این طریق به اهداف خود دست یابند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۱۱۷/ص ۲۶۹).

۲-۳-۳- تحقیر:

از دیگر روش های دشمنی کفار با مؤمنان تحقیر کردن است. مهمترین مستندات این دیدگاه آیه ۵۴ از سوره زخرف ((فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!). آیه بیان می کند هرگاه انسان اعتماد به نفس نداشته باشد و ایمان به خداوند در قلبش رسوخ نکرده باشد، دیگران سعی می کنند عقاید خود را بر وی متحمل کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/ص ۳۲۰). آیه بیان می کند کفار و مستکبران همیشه از این روش بهره برده و سعی می کنند انسان هایی که در سطح پایینی هستند با دادن وعده های دروغین به سمت خود بکشانند تا از این طریق بر مؤمنان تسلط پیدا کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ج ۱۲/ص ۳۲۵).

۳- راهکارهای مؤثر در تحقق صلح:

صلح و مدارا از مهمترین راه ها در مقابله با اقدامات نادرست دشمنان است. امام خمینی علیه السلام در دوران حکومت خود علاوه بر مشکلاتی که از سوی مخالفان خود با آن روبه رو بودند؛ ولی همواره سعی می کردند به جای آن که با مخالفان و دشمنان خود از در جنگ و نزاع بیرون بیایند، ابتدا با صلح و سازش با آنان برخورد کنند و اگر مخالفان همچنان بر عقاید خود پافشاری کردند آن گاه به جنگ و نزاع با آنان بپردازد. با این حال مهمترین راهبردهای حل منازعه از نگاه ایشان عبارتند از:

۳-۱- الگو پذیری از سیره رفتاری معصومان علیهم السلام:

یکی از مهمترین اقدامات امام علیه السلام در تحقق صلح و مدارا الگو پذیری از سیره رفتاری

معصومان عليه السلام است. منظور از الگو حالتی است که فرد هنگام پیروی از غیر خودش کسب می کند. (آراسته خو، ۱۳۷۰: ص ۳۰). نزدیک ترین کلمه به این واژه اسوه است. منظور حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود پیدا می کند و بر حسب این که پیروی از چه کسی باشد، ممکن است آن فرد برای وی خوب و یا بد باشد. (حجتی، ۱۳۸۵: ص ۸۶). رفتار نیز به معنای مجموعه ای از اعمال و فعالیت هایی است که موجود زنده انجام می دهد و متضمن کارهای آشکار و پنهان و اعمال و فعالیت عقلی باشد. و نیز به معنای عملی که از فرد سر می زند یا سخنی که بر زبان جاری می شود. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ص ۵۵).

منظور از الگوی رفتاری در سیره معصومان عليه السلام یعنی؛ رفتار های خاصی که هریک از معصومان (علیهم السلام) در مقابل با مخاطبان خود انجام می دادند، زیرا الگوی رفتاری سبب می شود که انسان ها به رفتار های ناپسند خود پی برده و درصدد اصلاح آن برآیند. (بیرهوف، ۱۳۸۴: ص ۳۰). قرآن کریم، همواره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان اسوه و الگو و مقتدای بشر یاد کرده است؛ آنگونه که آمده است: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ...﴾؛ (الممتحنة/۴)؛ (همان برای شما در حالات ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشق خوبی است). آیات شریفه بیان می کند حضرت ابراهیم علیه السلام به دلیل برائت از شرک و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به دلیل صبر و مقاومتی که در برابر دشمنان انجام دادند از آنان به عنوان الگو و مقتدای بشر یاد کرده است. (طبرسی، ۱۳۸۲: ج ۸/ص ۵۴۹). ایشان در تصریح به این آیه، حضرت ابراهیم علیه السلام و پیام های این آیه شریفه را اینگونه بیان می کنند. او وارد بتخانه شد، بتها را شکست و تنها یک بت را که بت بزرگ بود، سالم نگاه داشت، برای این که از همین نقطه بتواند ذهنها را متوجه حقیقت سازد. زمانی که مخالفانش به وی به جهت شکستن بت ها اعتراض کردند. ایشان در خطاب به آنان فرمودند: «از بت بزرگ سؤال کنید. زمانی که آنان متوجه شدند که این بت های بی جان برایشان سودی ندارد در تفکر فرو ماندند، و به تعبیر من با خود گفتند، حَقًّا که ما مستکبریم. ایشان در ادامه تصریح می کنند که انسان ها آن قدر بی فکر و غافل باشند که به جای رفتن به سراغ خداوند، قادر، توانا و فرمانبردار به سراغ موجودی که از خودش هم نمی تواند دفاع کند برود. اگرچه این بت چوبی بود، اما دیگر بت های ساخته شده از گوشت، پوست و استخوان نیز همین طورند. هر قدر تمندی که به خدا متکی نباشد و قدرتش از قدرت پروردگار عالم سرچشمه نگرفته باشد، مثل همان بُت است که نمی تواند از خود و از منطق خود دفاع کند. آری همچنان که می بینید مستکبران و قلدران در سرتاسر دنیا چه در سطح بین المللی

و چه در کشورهای خودشان زورگویی می کنند تا از این طریق بتوانند عقاید ناصحیح را در فرد محقق سازند. (موسوی خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴: ج ۴/ص ۳۰). ایشان در ادامه بیان می کنند «آیا پیامبر در مقابل سختی ها عقب نشینی کردند؟ آیا حاضر به تسلیم و سازش شدند؟ ما هم کار انبیا و پیامبر صلی الله علیه و آله را انجام می دهیم باید بایستیم، باید مقاومت کنیم این را باید دنبال کرد. مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب او مقاومت کردند و از سختیها نهراسیدند تا پیروز شدند ما هم وقتی وارد این کار شدیم و تصمیم گرفتیم که دست بدین عمل بزرگ بزنیم، پیامدهایش را هم باید پذیرا باشیم. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ج ۱/ص ۵۵۸). از این رو الگو پذیری از راه و روش امامان معصوم علیهم السلام یکی از مهمترین تاکتیک های ایشان در تحقق صلح و مدارا با دشمنان بود.

۳-۲- عدالت:

از دیگر روش های علیه السلام در تحقق صلح و مدارا، عدالت است. در متون دینی معنا و تصویر روشنی از عدالت ارائه شده است. اصل کلمه «عدل» مصدر است. واژه عدل و عدل در معنا به هم نزدیکند هرچند که باهم تفاوت هایی را دارند. یکی از این تفاوت ها در این است که کلمه عدل در چیزهایی به کار می رود که با بصیرت و آگاهی درک می شوند ولی «عدل» و «عدیل» در چیزهایی که با حواس درک می شوند؛ مانند اعداد به کار می رود. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۳۴). این واژه به معنای کزی، راستی و حدوسط نیز به کار می رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ص ۱۹۸). در اصطلاح؛ گاهی در معنای اسم معنی قرار می گیرد که مراد از آن مفهومی تصویری که از آن ها در ذهن به وجود می آید، به طوری که در مقابل اسم ذات نیز قرار می گیرد و به مفاهیمی اشاره می کند که مبتنی بر آن می توان یک شی مادی را از طریق حواس درک کرد. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۱۲۳۴). از نظر امام علیه السلام عدالت یکی از مهم ترین ارزش های در جامعه، اساس پایه مشروعیت و هدف اصلی نظام می دانند. معتقد بودند مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالتخواهی است. این پایه مشروعیت ماست. (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ص ۱۲۳). ایشان در سخنانی دیگر در مورد رعایت انصاف و عدالت در مورد دشمن اینگونه بیان نمودند: (تقوا در مسایل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسایل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکل تر است. خیلی اثر گذارتر است. ما نسبت به دوستانمان نسبت به

دشمنانمان چه می‌گوییم؟ این جا تقوا اثر می‌گذارد، ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ درباره او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما درباره آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که در واقع وجود دارد. این تعدی از جاده تقوا است. قول سدید یعنی استوار و درست؛ این جوری حرف بزنیم. من به جوانان عزیزمان عرض می‌کنم این جور نباشید که مخالفت با یک کسی ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جاده حق تعدی کنیم، تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد، به هیچ کس نباید ظلم کرد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۴: ص ۶۷۴). دقت در کلام امام، نشان داد حتی اگر ما با دشمن مخالف باشیم ولی درمقابله با وی باید نهایت عدالت و اخلاق را رعایت کرد. از امام علی علیه السلام در این باره نقل شده است: عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد؛ درحالی‌که بخشش، آن را از جای خود خارج می‌سازد. عدالت تدبیر عمومی مردم است؛ درحالی‌که بخشش، گروه خاصی را شامل می‌شود. (رشاد، ۱۳۶۵: ص ۳۱۰). سخن امام علیه السلام در می‌یابیم که عدالت شریف‌تر و برتر است. استاد شهید مرتضی مطهری می‌گوید: «اجرای عدالت است که می‌تواند جلوی مطامع روحی را سد کند، جلوی حرص‌ها و آرزوها و طمع‌ها را بگیرد؛ البته عدالت فقط می‌تواند مانع باشد، نه این که آن‌ها را از بیخ و بن برکند؛ اما اگر عدالت نباشد و میدان، میدان زور و غارت و چپاول باشد، آن‌ها که تحت فشار عوامل روحی همچون حرص، آز، طمع، حسد، حقد و کینه هستند، مطامعشان بیشتر تحریک می‌شود و بیشتر تحت فشار قوی این عامل‌ها قرار می‌گیرند، امکان این که به سوی ظلم و جور و ستم کردن و احجاف حقوق دیگران کشیده شوند، بیشتر است. این هم از بعد فردی است و هم از بعد اجتماعی». (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۴۸۵). حاکمان و سردمداران، ستمگری‌های خود را به نام رفع ظلم و برقراری عدالت اجرا کرده‌اند. (گاستون و ژرژ لوسور، ۱۳۷۷: ص ۷۳). دقت در کلام امام، این مطلب به دست می‌آید که حتی اگر ما با دشمن مخالف باشیم ولی درمقابله با وی باید نهایت عدالت و اخلاق را رعایت کرد.

۳-۳- مصلحت اندیشی:

از دیگر راهبردها اصل مصلحت اندیشی است. مصلحت اندیشی، عبارتی است از فردی که از منطق درستی برخوردار نیست سعی می‌کند به جای آن که با وی به مخالفت بپردازد سکوت را سرلوحه

کار خود قرار می دهد. (جعفری، ۱۳۷۸: ص ۱۲۳). هوشیاری امام علیه السلام رامی توان در رابطه با حجاج بیت الله الحرام اشاره کرد. ایشان حجاج را به مقابله با وهابیونی که تلاش می کردند با استفاده از این کنگره عظیم، عقاید و افکار خود را به دیگر مردمان نشان دهند و قصد سیاسی کردن این کنگره عظیم را داشتند می فرمودند: «حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. حج تنها حرکات و اعمال نیست بلکه حج پیام آور و در بردارنده جامعه ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. عرصه ای برای نمایش سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ج ۲۱/ص ۵). ایشان همواره بر سیاسی نکردن حج تاکید می کردند و معتقد بودند که هدف این کنگره عظیم باید ایجاد وحدت و همدلی میان مسلمانان و دوری از هرگونه نفاق و درگیری باشد. در اهمیت این مساله خداوند سبحان در آیه ۲۶ از سوره انفال به این موضوع توجه داشته آن طور که آمده است: (و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آن چنان که می ترسیدید مردم شما را بر بایند! ولی او شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت کرد؛ و از روزیهای پاکیزه بهره مند ساخت؛ شاید شکر نعمتش را بجا آورید!). این آیه به صراحت وحدت را عامل اقتدار و شوکت امت اسلامی، و تفرقه را عامل ضعف و ناتوانی دانسته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۲۶). اقدام هوشیارانه دیگر ایشان؛ مقابله با قرآن های تالیف شده از سوی وهابیان به حجاج کشورهای مختلف در ایام حج اشاره کرد. می بینم ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت های بی پایان مرم را صرف طبع قرآن کریم و محال تبلیغات مذهب ضد قرآنی می کند و وهابیت این مذهب سراپا بی اساس و خرافاتی را ترویج می کند و مردم و ملت های غافل را سوق به سوی ابر قدرت های می دهد و از اسلام عزیز، قرآن کریم برای هدم اسلام و با استفاده از اعتقادات مردم جریان های انحرافی خود را گسترش می دهند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۳۴۵). پیشوایان معصوم نیز بر این مساله توجه داشتند. امام علی علیه السلام شاهد پایمال شدن حق خلافت خویش بودند؛ امام علیه السلام برای جلوگیری از این اختلاف، از حق مسلم خویش چشم پوشید و به ناچار حکمیت ناهلان را پذیرفت. ایشان در نامه ای خطاب به «محمّد بن ابی بکر» نوشتند «از کسی ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم چه بسا ضربتی بر آن وارد آید که مصیبت آن بر من سنگین تر از مصیبت از دست دادن حاکمیت بر شما باشد. حاکمیتی که چند روز بیشتر دوام نخواهد داشت». (ابن ابی الحدید، ۱۹۹۰: نامه ۶۲/ص ۳۴).. صلح امام حسن علیه السلام با «معاویه» را نیز

می توان نمونه ای دیگر از مصلحت اندیشی دانست. امام علیه السلام بارها در سخنان خود یاران سپاهش و دیگر مردمان زمان خود را به مبارزه علیه معاویه و اقدامات نادرست او دعوت می کردند. اما علاوه بر تأکیدات این امام بزرگوار ولی مردم عصر وی و حتی یاران سپاهش به هشدارهای امام علیه السلام توجهی نکردند و تحت تاثیر تبلیغات دروغین معاویه قرار گرفتند دسته به دسته به سپاه او پیوستند. فقط گروه اندکی اطراف امام علیه السلام باقی مانده بودند در اینچنین شرایطی بود که امام علیه السلام مصلحت اسلام را در صلح با معاویه دانستند و علاوه بر میل باطنی با وی از در صلح و دوستی برآمدند. (مفید، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۳۰). این امام بزرگوار بعد از صلح با معاویه بارها در سخنرانی هایی که انجام می دادند انگیزه خویش از صلح با معاویه را اینگونه بیان می فرمودند: «معاویه برای تصاحب حقی که از آن من بود بامن به منازع پرداخت، من هم به ناچار آن را به خاطر مصالح امت و جلوگیری از خون ریزی رهاساختم. معاویه عنصر فاسدی است و صلاحی ندارد بر مسلمانان زمامداری کند و مردم نیز نباید حاکمیت سیاسی خود را به دست چنین فردی بسپارند. (متقی هندی، بی تا، ص ۱۳۹). در مجموع مصلحت اندیشی تدبیری بود که امام در مقابله با اختلافات دشمنان انجام می دادند.

۳-۴- مبارزه از نفوذ شایعات:

از دیگر راهکارها مبارزه از نفوذ شایعات است. نفوذ در لغت؛ به معنای سوراخ کردن و خارج شدن، یا بیرون آمدن سر تیر به طرف دیگر و تمام آن در اندرون بودن است. (شرتونی، ۱۴۱۶: ص ۳۲۰). در اصطلاح؛ منظور اعمالی است که مستقیم یا غیر مستقیم باعث تغییر در رفتار یا نظرات دیگران می شوند. (الوانی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۲). نیز به معنای توانایی فرد از تغییر دادن رفتار دیگران بدون داشتن موقعیت رسمی اثرگذاری بر افکار، رفتار، یا عواطف شخص دیگر را نفوذ گویند. (شایان مهر، ۱۳۷۹: ص ۶۲۰). در تعریف شایعه تعریف دقیق و مشخص بیان نشده است. شایعه معانی بسیاری دارد. شاید عام ترین تعریف این باشد: شایعه خبر بی اساسی است که گوینده آن را برای ترور شخصیت انسان برجسته و آبرومند و یا هر موضوع دلخواه فردی یا اجتماعی در جامعه نشر می دهد. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ص ۳۲۴). در اصطلاح؛ یک موضوع خاص گمانی بدون وجود ملاک های اطمینان بخش رسیدگی است، که معمولاً به صورت شفاهی از فردی به فرد دیگر انتقال می یابد در این تعریف بر یکی از ویژگی های خاص و مرکزی شایعه تأکید شده است و آن، اصرار بر این است که

شایعه در غیاب ملاک های اطمینان بخش رسیدگی، ساخته می شود. این محک، وجه تمایز شایعه از اخبار است. (آلپورت، ۱۳۷۴، ص ۳۰).

شایعات خود به اقسامی تقسیم می شود. شایعات آتشین: شایعه ای که یکبار شکل می گیرد و اثری کوتاه مدت دارد. بیشتر در زمان جنگ نظامی است. شایعات خزنده؛ همراه با تاکتیک های قطره چکانی؛ مرحله به مرحله می تواند مسیر یک شایعه را در ذهن افراد یک جامعه طراحی کند حادثه ۱۱ سپتامبر نمونه ای از این دسته شایعات است. شایعه دلفینی؛ به تناسب زمان آشکار می شود و بلافاصله پس از تاثیر گذاری پنهان می شود و دوباره ایجاد می شود مانند اخبار مربوط به قتل های زنجیره ای را می توان نام برد. (موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۴، ص ۳۰). در قرآن کریم، واژه هایی که به نوعی می توانند مفهوم شایعه را افاده کند، به چشم می خورد خرص، تقول، و اختلاق اشاره کرد. آیات ۲۰ از سوره زخرف، آیات ۱۰ و ۱۱ از سوره ذاریات و آیه ۴۴ از سوره حاقه آمده است. آفت شایعه و قوت و گستردگی آن در شرایط و موقعیت های مختلف به طور مستقیم و غیر مستقیم، دامنگیر اکثریت قریب به اتفاق و قشرهای مختلف مردم شده، حتی بعضا اذهان افراد سرآمد، متفکر، اندیشمند و کارگزار جامعه را نیز موقتاً متاثر سازد برجسته ترین ویژگیهای افراد شایعه پذیر، ساده لوحی و زود باوری، ناامنی، پرگویی و گزافه گویی است. (افروز، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰). از این رو شایعات و اخبار کذب اگر توسط افراد ظاهر چون خوارج صورت گیرد، می تواند در مسیر ایجاد شک و تردید و یا بدبینی افراد جامعه قرار گیرد و عامل دنیا طلبی قشر مذهبی تر جامعه یا بی بصیرتی آنان شود. در این باره می توان به شایعه کانالیزه شدن رهبری اشاره کرد. امام علیه السلام زمانی که با این شایعه روبه رو شدند؛ گفتند که در هر صورت شما آقایان بیدار شوید توجه داشته باشید دشمن ها درصدد هستند، زبان ها و قلم ها درصدد هستند، مردم و ملت را اغفال خواهند کرد بیدار باشید و گول اینها را نخورید، مسائل را درست حل کنید. (موسوی خمینی، ۱۳۲۷: ج ۱۰/صص ۳۱۳-۳۱۲۳). به جهت اهمیت این مساله وی در دیداری که با دانش آموزان مدارس تهران انجام دادند بعد از شنیدن سخنان آنان در این باره بیان نمودند: (این طور نیست که من مطلع نباشم. افراد و گروه ها مرتب می آیند وضع مناطق خودشان را می گویند و نامه می دهند از این اجتماعات بیرونی و این اجتماعات داخلی و از این مسائلی که شما گفتید من اکثرش را مطلع است. این که می گویند روزنامه ها را نمی دهند، روزنامه ها و خلاصه مطالبش پیش خودم می آید، چکیده اوضاع مملکت از ناحیه ارتش، هم از ناحیه ژاندارمری

هم از ناحیه وزارت ارشاد، پیش من می آید، بی اطلاع نیستم. این که می گوید که نمی گذارند به شما برسد، این همان حرفی است که اشخاص غرضمند گفته اند. و مع الاسف شما هم با آن ذهن صافتان باور کردید. الان می بینید که شما این جا هستید، منتها اکثر کاغذها چیزهایی است که به من ربطی ندارد. از این روی امام علیه السلام به صراحت شایعه کانالیزه شدن رهبری انقلاب را رد کردند و پرده از نقشه ها و شایعه پراکنی های دشمنان برای اغفال مردم برداشتند؛ و بر این نکته تصریح کردند که من بارها به این آقایان عرض می کنم که تحت تاثیر اشخاص و گفته های اشخاص واقع نشود و اعمال غرض نکنند. بعضی از اشخاص غرضمندان، لکن بعضیها این طور نیستند، کنار نشسته اند، هرکس هرچه می گوید باورشان می آید، و آن وقت هم منتشر می کنند.

خوب، این خلاف انسانیت و اسلامیت است که انسان هرچه شنید فوراً پخش کند. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ص ۱۲۳). در این باره می توان به امام علی علیه السلام در شایعه تخریب فرات به دست معاویه اشاره کرد. در جنگ صفین پس از تسخیر راه دسترسی به شریعه فرات، شرایط جنگ به نفع سپاهیان امام تغییر کرد. معاویه نقشه ای اندیشید تا شرایط جنگ را به نفع خود تغییر کرد. اردوگاه سربازان امام علیه السلام در قسمت سرازیری دشت «صفین» و اردوگاه معاویه در قسمت بلندتری قرار داشت. ناگهان خیر دهان به دهان در میان سربازان امام علیه السلام منتشر شد که معاویه می خواهد بند فرات را تخریب کند. همزمان با انتشار این شایعه معاویه برای فریفتن افرادی از یارانش را با دویست نفر کلنگ و بیل و زنبیل به دست، به جانب بند فرات فرستاد تا وانمود کند که قصد تخریب آن را دارد و به این ترتیب برای خبر دروغین خود به قرینه سازی دست زد. امام علیه السلام که از مکر و حيله معاویه آگاه بود، به سران سپاه خود فرمود: «عاویه قدرت تخریب بند را ندارد بلکه می خواهد شما را از این طریق بترساند، جایگاه خود را ترک نکنید و شریعه فرات را مجدداً در اختیار بگیرد. سران سپاه گفتند: اینچنین نیست کار جدی است و هم اکنون گروهی مشغول کندن حفره هایی هستند که آب را به سوی ما سرازیر می سازند. ایشان فرمودند: «با من مخالفت نکنید. سران سپاه نیز بیان کردند که خدا سوگند که ما کوچ می کنیم. اگر شما مایلید که بمانید بمانید. آن گاه همگی اردوگاه را ترک کردند و نقطه بلندتری را انتخاب نمودند». از این روی زمانی که امام دیدند یارانش چندان توجهی به ایشان ندارند و از سوی اندیشیدند که اگر با یارانش به مخالفت بپردازند آتش جنگ را بین خود و یارانش ایجاد می کنند؛ از این روی

ایشان نیز به ناچار منطقه را ترک کردند. هرچند که پس از آن صدق گفتار امام علیه السلام آشکار شد. (عسگری، ۱۳۷۴، ص ۱۲۳). بنابراین وظیفه رهبر جامعه اسلامی است که نسبت به شایعات از آگاهی لازم برخوردار باشد و با تدبیر لازم با شایعات به مبارزه برخیزند.

۳- ۵- موعظه و نصیحت:

از دیگر راهکارها موعظه و نصیحت است. واژه «موعظه» از ماده «وَعظ» به معنای منع و بازداشتن از یک عمل از راه ترساندن از عواقب ناخوشایند و دردناک آن آمده است. (زییدی، ۱۳۰۷، ص ۴۳۵). در اصطلاح به معنای؛ ارشاد و راهنمایی به اطاعت از خدا و بازداشتن از معصیت و گناه، خواه از راه بیم دادن و امیدوار کردن یا از راه آگاهی دادن، با از راه دیگر باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۶/ص ۴۵۶). اهمیت این فضیلت اخلاقی مهم بگونه ای است که خداوند سبحان در آیه از سوره ۱۶ نحل («و نیز») علاماتی قرار داد؛ و (شب هنگام) به وسیله ستارگان هدایت می شوند. «در این آیه شریفه، خداوند سبحان در خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله خود از ایشان می خواهد تا با موعظه ای نیکو و با راهنمایی خالصانه مردم را به دین مبین اسلام دعوت کند. (طبرسی، ۱۳۸۲، ج ۵/ص ۹۸۰).

امام علیه السلام نیز در دوران رهبری خود بر مردم بر این مساله توجه داشتند و معتقد بودند اسلام دین رحمت و رافت و برادری است و در تاریخ آمده است: که در حکومت پیامبر اسلام رحمت و رحمتی بی نظیر که بر آمده از سیره اسلامی ایشان بود حکمفرما بود. امام خمینی علیه السلام نیز اسوه و آینه تمام نمای رحمت و مهرورزی بودند و در دوره رهبری عفو و رحمت اسلامی را در کشور متجلی ساختند. ایشان همواره مدافع مظلومان و محرومان در داخل و خارج از کشور بودند و همگان بر این مساله رهنمود می کردند. ایشان همواره مدافع مظلومان و محرومان در داخل و خارج بودند. در عرصه داخلی برای همگان سفارش به خدمت به محرومان را داشتند و در عرصه خارجی همواره حامی و مدافع مظلومان و مستضعفان بودند، همواره بر عدم ایجاب و رعب وحشت خارج از قانون، برهم زدن آرامش و امنیت خارج از قاعده تاکید داشتند از اموری چون ورود به خانه یا مغازه و محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن ها، اهانت ارتکاب اعمال غیر انسانی اسلامی گوش دادن به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه، شنود گذاشتن، تجسس از گناهان غیر، ... را ممنوع اعلام کردند و در مورد توطئه ها و گروهکهای

مخالف اسلام و نظام نیز خاطر نشان فرمودند که برخورد با احتیاط کامل و تحت ضوابط شرعیه و موافق دستور دادستانها و دادگاه ها انجام شود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۰). وی همچنین خواستار عفو کلیه زندانیان وابسته به گروهکها به استثنای نهصد نفر از مرتکبین جرایم جنایی شدند و از مسوولان خواستند تا با مهربانی و برادری با آنها برخورد کرده و با ایجاد تسهیلات شغلی موجب دلگرمی آنان گردند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹، ص ۱۰۹). ایشان در اقدامی دیگر پس از تسخیر لانه جاسوسی، دستور آزادی گروگان های زن و سیاه پوست آمریکایی فرمودند و که این کار امام عملاً نمونه رفت اسلامی در معرض دید جهانیان قرار گرفت. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، صص ۱۲۳). بنابراین امام حتی در عرصه سیاسی نیز آئینه تمام نمای عفو و رحمت اسلامی بودند.

۳- ۶- برخورد منطقی با دشمنان:

از دیگر راهکارها - برخورد منطقی با دشمنان است. قرآن کریم، با تاکید بر صبر و پایداری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از هرگونه سازش و مدارا با کسانی که از ایمان خدا دوری می کردند نهی می فرمودند. قرآن کریم در آیه ۱۶ از سوره طه؛ (پس مبادا کسی که به آن ایمان ندارد و از هوسهای خویش پیروی می کند، تو را از آن بازدارد که هلاک خواهی شد). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۲۴). همچنین در داستان حضرت موسی علیه السلام زمانی که وی از خداوند سبحان خواست که برای دعوت قومش به وی صبری عطا کند، تا بتواند قومش را به سوی خداوند دعوت کند. حضرت موسی علیه السلام نیز علاوه بر مخالفت ها ولی یاران خود را در جهت تحقق وعده های الهی به صبر سفارش می کردند و می گفتند؛ (از خدا یاری بجوید و بر دشواری ها شکبیا باشید که این راه و رسم تقوا پیشگی است. زمینی را که در دست فرعونیان می بینید از آن خداست نه فرعون. خدا آن را به هرکس از بندگانش که بخواهد به میراث خواهد داد و فرجام نیکو از آن تقوایبشگان است). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲۳، ص ۳۰). همچنین در آیه ۱۴ از سوره حجرات آمده است: عرب های بادیه نشین گفتند: ما ایمان آوردیم، به آن ها بگو شما ایمان نیاوردید، بلکه بگوئید که اسلام آوردیم و اگر از خدا و رسول وی اطاعت کنید، از اجر اعمال شما هیچ کاسته نمی شود که خداوند آمرزنده و مهربان است). در زمان پیامبر برخی از این افراد به ظاهر مسلمان، مخالفت و دشمنی خویش را با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ ها یا در مجالس عمومی اعلام می کردند و گاهی اهانت هایی به ایشان روا می

داشتند. (طباطبایی، ۱۳۸۹: ج ۲۰/ص ۱۲۳۴). این گروه برای ایشان مزاحمت‌هایی را ایجاد می‌کردند ولی امام علیه السلام با صبر و بردباری با آنان رفتار می‌کردند و در خطاب به آنان می‌فرمودند: «ولا تقا تلکم حتی تبدوونا» تا جنگ را با ما آغاز نکرده اید با شما نمی‌جنگم. (طبری، ۱۳۷۵: ج ۵/ص ۷۳). اما زمانی که آنان جنگ نهران را به پا کردند و معتقد بودند که بر اساس آیه شریفه ﴿إِن الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (حکمرانی و حکومت مخصوص خداوند است)، از این روی پذیرفتن رای حکمین یعنی بی‌توجهی به قرآن کریم و حاکمیت خداوند متعال است. (دینوری، ۱۳۸۰: ج ۲/ص ۲۲۰). ایشان معتقد بودند که ما گروهی نبودیم که به کتاب خداوند پشت کرده باشیم اما سخنان و اقدامات ناپسند و دیدگاه‌های محدود آنان سبب شد که امام به جنگ به آنان بپردازد. (حسن، بی‌تا، ص ۳۰).

امام علیه السلام در دوران رهبری خود بر مردم سعی می‌کردند قبل از جنگ با دشمنان ابتدا به مذاکره با آنان برخیزند ولی اگر صحبت و سازش تاثیری نداشت، آنگاه از در جنگ و نزاع و عدم رابطه با دشمن برآیند. ایشان علاوه بر افشاگری‌های جنایت‌ها و ماهیت‌های استکباری، این کشور منحوس همیشه بر عدم وجود امکان مذاکره تا زمان تغییر سیاست‌های دشمنانه آمریکا و تغییر خوی استکباری شیطان بزرگ تایید نموده است. ایشان معتقد بودند که از برخی از برهه‌ها دولتمردان امریکایی چراغ سبزهای ظاهری و کم‌اهمیتی نشان داده‌اند که موجب فریب برخی عناصر ساده‌اندیش و ساده‌لوح در داخل و بلندشدن زمزمه تمایل به رابطه با آمریکا شده است اما وی با افشاگری‌هایشان علیه سیاست‌های آمریکا در آن برهه احتمال مذاکره را تا زمان تغییر رویه آمریکا رد کرد و اجازه کوچک‌ترین سازشی در این زمینه را به کسی ندادند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۳/۵۰). ایشان همچنین در برهه‌های مختلف مذاکره با آمریکا را تا موقع تغییر رویه استکباری دولتمردان و سردمداران آمریکا رد کرده‌اند و معتقد بودند با دولت اسرائیل نیز نمی‌توان رابطه برقرار کرد؛ زیرا این دولت استکباری نیز با ما سرسازش ندارد و می‌خواهد تا آن‌جا که ممکن است به اهداف استکباری خود در کشور ما دست یابد. از این روی این بزرگوار در رهنمودهایشان مکرراً بر جعلی بودن و نامشروع بودن و غاصب بودن دولت صهیونیستی تأکید و بارها از اسرائیل به عنوان یک دولت جنایت‌کار سخن گفتند. ایشان در سخنانش بارها از جنایات صهیونیستها در سرزمین عراق و... اشاره کردند. (موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۳۴). در ذیل اقدام امام شاهد هستیم رهبر فرزانه انقلاب هم همیشه منکر هرگونه رابطه با کشور آمریکا و اسرائیل شدند. ایشان

بارها خطر اسرائیل را برای کل منطقه یک نوع آسیب دانسته و دولت غاصب صهیونیست را بزرگ ترین خطر برای حال و آینده جان اسلام معرفی نمودند؛ و بارها و بارها از حمایت غرب خصوصا آمریکا از جنایات اسرائیل و سکوت سران کشورهای اسلامی در برابر جنایات صهیونیستها پرده برداشتند و ملتها و دولت های مسلمان را به اتحاد در برابر دولت اسرائیل دعوت کرده اند. ایشان در این راستا راهکار عملی نشان داده و به کشورهای مسلمان پیشنهاد قطع یک ماهه صادرات نفت به اسرائیل را داده اند که اگر عملی می شد خسارات جبران ناپذیری بر پیکره این رژیم وارد می آورد و بدون شک اقتصاد این دولت را فلج می کرد. (خامنه ای، ۱۳۹۶، ص ۳۰). بنابراین تا آن جا که ممکن است می توان با صحبت کردن و مذاکره با دشمن از درگیری و نزاع خودداری کرد؛ اما در صورتی که دشمن علارغم مذاکره از عقیده و نظر خود بر نگشت در این صورت جنگیدن با دشمن جایز است آن گونه که امام خمینی علیه السلام نیز در دوران رهبری خود بر مردم بر این مساله توجه داشتند.

نتیجه گیری:

- از آن چه تا کنون مورد بحث قرار گرفت نتایج ذیل حاصل است:
۱. امام خمینی علیه السلام در دوران رهبری خود بر مردم هیچ گاه شروع کننده جنگ نبودند بلکه تا آن جا که در توانشان بود سعی می کردند با مذاکره و گفتگو مخالفان خود را به راه راست دعوت کنند و این شیوه را به مسوولان مملکتی خود نیز خود نیز متذکر می شدند که در مقابل با مخالفان خود ابتدا با مصالحه رفتار کنند و در صورتی که گفتگو و مذاکره تاثیر نداشت آن موقع مبارزه ضروری است
 ۲. قرآن کریم در سوره حجرات و انفال نشان داد که خداوند متعال صلح و سازش را می خواسته در جامعه برقرار کند اما در برخی از موارد ایجاب می کند که جنگ صورت گیرد.
 ۳. امام علیه السلام در تصدی مقام ولایت و رهبری امت اسلامی در عرصه سیاست داخلی و خارجی با شناخت دقیق جریانات و مسائل مختلف داخلی و خارجی ابتکار عمل را به دست گرفته و با ارائه راهبردهایی مانند موعظه، الگوپذیری از سیره امامان معصوم علیهم السلام؛ مصلحت اندیشی؛ مبارزه با نفوذ شیعات و ... اشاره کرد. این بزرگوار در طول عمر مبارک خود با شناخت دقیق جریانات و مسائل

مختلف داخلی و خارجی ابتکار عمل را به دست گرفته و دشمنان انقلاب اسلامی را مبهوت و سردرگم می کردند و در مقابله با دشمنان از روش امامان معصوم بالاخص پیامبر و امام علی علیه السلام اشاره کردند و معتقد بودند این دو بزرگوار علاوه بر مشکلاتی که از سوی دشمنان داخلی و خارجی برای آنان ایجاد می کردند ولی صلح و سازش را وجه کاری خود قرار می دادند.

لا یتخلفن الله جیما و لا یخترقوا

سی و پنجمین کنفرانس بین المللی و هیئت اسلامی
للدراسه الدولی الخامس والثلاثون للوحدة الإسلامیة

35th
International Conference
on Islamic Unity

ilic

منابع:

۱. الف - منابع فارسی و عربی:
۲. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (۱۹۹۰)، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، تحقیق: محمّد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء التراث العربیة، اول.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۹)، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، قم: مؤسسه انتشارات علامه، قم.
۵. ابن منظور، محمّد بن مکرم. (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوّم.
۶. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمّد. (۱۴۱۸)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، تحقیق: شیخ خلیل مامون شیخا، بیروت: دارالمعرفة، الطبعة الأولى.
۷. آمدی، عبد الواحد بن محمّد. (۱۳۷۸)، غررالحکم و دُررالكلم، ترجمه: سیّد هاشم رسولی محلاتی، تهران: نشر اسلامی، دوّم.
۸. افروز، غلامعلی. (۱۳۸۴)، روان شناسی شایعه، رشد، تهران، اول.
۹. آلپورت، گوردون ویلارد. (۱۳۷۴)، روان شناسی شایعه، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، اول.
۱۰. الوانی، سیّد مهدی. (۱۳۹۵)، مدیریت عمومی، تهران، نشر نی، دوّم.
۱۱. بیرهوف، هانس ورنر. (۱۳۸۴)، رفتارهای «اجتماعی مطلوب: از دیدگاه روانشناسی اجتماعی»، ترجمه: رضوان صدقی نژاد، انتشارات گل آذین، اول.
۱۲. پیشوایی، مهدی. (۱۳۷۶)، نگرشی بر زندگانی اجتماعی-سیاسی و فرهنگی امامان معصوم علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق، اول.
۱۳. جعفریان، رسول. (۱۳۸۱)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انتشارات انصاریان، دوم.
۱۴. جعفری، محمّد تقی. (۱۳۷۸)، تاریخ از دیدگاه امام علی علیه السلام، تنظیم و تلخیص محمّد رضا جوادی، تهران، آزادی، اول.
۱۵. جعفریان، رسول. (۱۳۸۱)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، قم، انتشارات انصاریان، دوم.
۱۶. حجّتی، محمّد باقر. (۱۳۸۵)، «اسلام و تعلیم و تربیت»؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول.
۱۷. حسنی، هاشم. (۱۳۷۰)، سیره ائمه اثنی عشریة، منشورات الشریف الرضی، قم: ترجمه هاشم حسنی، امیرکبیر، اول.
۱۸. حشمت زاده، محمّد باقر. (۱۳۷۷)، مسائل اساسی علم سیاست، تهران: کانون اندیشه جوان، اول.

۱۹. خامنه ای، سید علی. (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت الله العظمی خامنه ای (نظام بینشی، منشی و کنشی)، عبدالحسین خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۲۰. دشتی، محمد. (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، قم: امام عصر (عج)، اول.
۲۱. دینوری، ابن قتیبه. (۱۳۸۰)، الإمامة و السياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، ترجمه: سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، اول.
۲۲. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، اول.
۲۳. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن أحمد. (۱۳۷۱ش)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی. اول
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم و الدار الشامیة، اول.
۲۵. رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵)، دانشنامه امام علی (علیه السلام) تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: سوم
۲۶. زبیدی، محمد مرتضی (۱۳۰۷)، تاج العروس من جواهر القاموس، قاهرة: المطبعة الخيرية، الطبعة الأولى.
۲۷. شاطری، روح الله. (۱۳۹۲)، مسئولیت اخلاقی حکومت دینی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول.
۲۸. شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۹)، دایرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، تهران، کیهان، اول.
۲۹. شرتونی، سعید. (۱۴۱۶)، أقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارد، تهران، دارالأسوة للطباعة والنشر التابعة لمنظمة الأوقاف و الشؤون الخیریة، اول.
۳۰. شعبانی، قاسم. (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و ساختار جمهوری اسلامی ایران، تهران، اطلاعات، چهارم.
۳۱. صلیبا، جمیل. (۱۳۶۶)، منوچهره صانعی دره بیدی، فرهنگ نامه فلسفی تهران، حکمت، اول.
۳۲. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۹)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیة، الطبعة الثانية.
۳۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۰)، حقوق اساسی، تهران، نشر میزان، اول.

۳۴. طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۸۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: شیخ ابوالحسن الشعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، الطبعة الثالثة، اول.
۳۵. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد الحسینی، تهران، المكتبة المرتضوية إحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الثالثة.
۳۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قصیرالعاملی، بیروت، دار إحياء التراث العربية.
۳۷. عسگری، علیرضا. (۱۳۷۴)، تبلیغاتی معاویه در مقابل با حضرت علی و تاثیر آن در بی ثمر ماندن کوشش های اصلی حضرت، تهران، سازمان تبلیغات، اول.
۳۸. عنایت، حمید. (۱۳۷۷)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، تهران، انتشارات زمستان، اول.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۴)، ترتیب کتاب العین، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح أسعد الطیب، قم، انتشارات أسوه، الطبعة الأولى.
۴۰. گاستون و ژرژ لوسور، استفان. (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، اول
۴۱. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین. (بی تا)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق: الشیخ بکری حیانی و شیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۴۲. مجلسی، شیخ محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۸۸)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات اسلامیة، اول.
۴۳. مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۶۹)، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، سروش.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم، اول.
۴۵. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵)، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا: اول
۴۶. مفید، ابوعبدالله محمد بن نعمان. (۱۴۱۳)، الارشاد، قم، حسنا، اول.
۴۷. موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۲۷)، کشف الاسرار، تهران: علمیه اسلامیة، چاپ سوم.
۴۸. (۱۳۶۸)، ولایت فقیه حکومت اسلامی: تقریر بیانات امام خمینی علیه السلام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول
۴۹. (۱۳۸۹)، صحیفه امام علیه السلام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، اول.

۵۰. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۹۳)، «کارکرد ولایت فقیه نظام سازی، طرح و تثبیت ولایت فقیه (۱)»، اول
۵۱. (۱۳۹۴)، کارکرد ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی (۲): احیاء و تبیین باورهای ناب توحیدی، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، اول.
۵۲. (۱۳۹۳)، خودباوری و اعتماد به نفس ملی، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، اول.
۵۳. منقری، ابوالفضل نصرین مزاحم. (۱۳۸۲)، واقعه صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مؤسسة العربية الحديثة.
۵۴. هادوی نیا، مهدی. (۱۳۸۳)، «مکتب و نظام اقتصادی در اسلام»، قم، مؤسسه فرهنگی خرد، اول.
۵۵. هندی، میرحامدحسین بن محمد. (بی تا)، خلاصه عبقات الأنوار فی امامة الأئمة الأطهار، تحقیق: علی میلانی، قم: خیام، اول